

۳شنبه ۱۴۰۵/۱/۲۵ - ۲۵ شوال ۱۴۴۷ - ۱۴ آوریل ۲۰۲۶ - درس ۱۲۶ فقه الروابط از فقه مدیریت رفتار سازمانی از فقه انگیزش - نقشه جامع مصباح الشریعه - روابط اربعه - رابطه چهارم - رابطه کارکنان با همکاران - اصول سبعة - اصل هفتم - عدل و انصاف - فقه الحدیث ۶ - عمال الانصاف

❦ مسئله‌ی ۱۲۶: کارگزاران حین خدمت به ارباب رجوع باید با خود بیاندیشند خدمتی که ارائه می‌دهند آیا اگر به خودشان ارائه شود راضی هستند؟ این جاست که رضایت عمومی به دست می‌آید؛ پس انصاف یک راهبرد خدمت است و البته تحقق انصاف در خدمت مشروط است، به شرایط ذیل: ۱. در گزینش اینان باید خیلی دقت شود که از شایستگی فردی و خانوادگی بهره‌مند باشند؛ ۲. دائماً مورد نظارت و بازرسی و ارزیابی باشند تا از جاده‌ی انصاف خارج نشوند و ۳. از بیت‌المال به خوبی ارتزاق و اسباغ شوند تا تأمین باشند و به دست مخدومین نظر نیاندازند

حضرت امیر علیه السلام در حکم حکومتی به مالک اشتر علیه السلام والی مبعوث به مصر برای رعیت و جامعه، هفت طبقه را ترسیم می‌فرماید:

ثُمَّ اعْلَمُ أَنَّ الرَّعِيَّةَ طَبَقَاتٌ لَا يَصْلُحُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ وَلَا غَنَى بِبَعْضِهَا عَنْ بَعْضٍ: فَمِنْهَا جُنُودُ اللَّهِ وَ مِنْهَا كُتَّابُ الْعَامَّةِ وَ الْحَاصَّةِ وَ مِنْهَا قُضَاةُ الْعَدْلِ وَ مِنْهَا عَمَّالُ الْإِنصَافِ وَ الرِّفْقِ وَ مِنْهَا أَهْلُ الْجَزِيَّةِ وَ الْحَرَاجِ مِنْ أَهْلِ الدِّيمَةِ وَ مُسْلِمَةِ النَّاسِ وَ مِنْهَا التُّجَّارُ وَ أَهْلُ الصَّنَاعَاتِ وَ مِنْهَا طَبَقَةُ السُّقْلَى مِنْ ذَوِي الْحَاجَةِ وَ الْمَسْكِنَةِ وَ كَلًّا قَدْ سَمَى اللَّهُ سَهْمَهُ وَ وَضَعَ عَلَى حَدِّ فَرِيضَتِهِ فِي كِتَابِهِ أَوْ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ وَ عَهْدًا عِنْدَنَا مَحْفُوظًا.<sup>۱</sup>

طبقه‌ی چهارم طبقه‌ی کارمندان و کارگزاران هستند که خدمات دولتی را به مردم انجام می‌دهند در قبال مالیاتی که از مردم گرفته می‌شود. حضرت این طبقه را موصوف به «عمال الانصاف و الرفق» می‌فرماید که منطبق با موضوع بحث ما، یعنی اصل عدل و انصاف است. در میان هفت طبقه، این خدمت‌گذاران کارگزار موصوف به انصاف هستند، خدمات اجتماعی با راهبرد پیشرفت و آبادانی، مالیات‌محور و خدمت‌منصفانه در مقابل مالیات. انصاف به معنای اعطاء الحق و به معنای این است که آنچه بر خود می‌پسندی بر دیگران هم بپسند. یعنی کارگزاران دولت علوی حین خدمت باید با خود بیاندیشند که این خدمتی که ارائه می‌دهند آیا اگر به خودش ارائه شود راضی بوده است؟ این جاست که رضایت عمومی به دست می‌آید. پس انصاف یک راهبرد خدمت است و از فرمایش حضرت ظاهر می‌شود که تحقق انصاف در خدمات‌رسانی کارگزاران مشروط به شروط لازم التحصیل ذیل است:

- ۱- در گزینش اینان باید خیلی دقت شود که از شایستگی فردی و خانوادگی بهره‌مند باشند؛
- ۲- و نیز دائماً مورد نظارت و بازرسی و ارزیابی باشند تا از جاده‌ی انصاف خارج نشوند؛
- ۳- از بیت‌المال به خوبی ارتزاق و اسباغ شوند تا سیر باشند و تأمین و به دست مخدومین نظر نیاندازند؛
- ۴- مخصوصاً در اخذ مالیات که درآمد اصل بیت‌المال است، باید آسان‌گیری و اعتمادسازی و خودارضایی ملاک قرار گیرد تا پیشرفت و آبادانی، به‌ویژه کشاورزی رونق گیرد.

به این عبارات توجه کنید:<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> و بدان که رعیت (مردمی که زیر فرمان هستند) چند دسته می‌باشند که (کار) بعضی به سامان نمی‌رسد مگر به بعض دیگر، و گروهی را از گروه دیگر بی‌نیازی نیست: پس بعضی از آن دسته‌ها (نخستین) لشگرهای خدا (که برای دفع دشمنان او آماده) هستند، و برخی از آنها (دوم) نویسندگان عمومی و خصوصی، و بعضی از آنها (سوم) قاضی‌های دادرسی (که احکام را بین مردم از روی عدل اجراء نمایند) و دسته‌ای از آنها (چهارم) کارگردانان (مأمورین حکمرانی) که با انصاف و مدارا رفتار می‌نمایند.

<sup>۲</sup> حرانی، تحف العقول، ص. ۱۳۱.

<sup>۳</sup> پس در کارهای عمال و کارگردانان نظر و اندیشه کن، و چون آنان را تجربه و آزمایش نمودی به کار وادار (تا دیانت و راستی و درستیشان را نیازموده‌ای به کاری مگمار) و آن‌ها را به میل خود و کمک به ایشان و سر خود (بی‌مشورت) به کاری نفرست، زیرا به میل و سر خود کسی را به کاری گماشتن گرد آمده‌ای است از شاخه‌های ستم و نادرستی (به رعیت)، چون حکمران اگر سر خود، بدون مشورت و آزمایش به هوای نفس اشخاصی را به کارهایی گماشت خلاف عدل و داد رفتار نموده و امانت مردم را تباه ساخته است) و ایشان را از آزمایش‌شدگان و

ثُمَّ انظُرْ فِي أُمُورِ عُمَالِكَ فَاسْتَعْمِلْهُمْ اخْتِبَارًا، وَلَا تُؤَلِّمْهُمْ مُحَابَاةً، وَأَثَرَةً فَإِنَّهُمَا جَمَاعٌ مِنْ شُعَبِ الْجُورِ وَالْحَيَانَةِ، وَتَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجَرِبَةِ وَالْحَيَاءِ مِنْ أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ. وَالْقَدَمُ فِي الْإِسْلَامِ الْمُتَقَدِّمَةُ، فَإِنَّهُمْ أَكْرَمُ أَخْلَاقًا، وَأَصْحُ أَعْرَاضًا، وَأَقْلُّ فِي الْمَطَامِعِ إِشْرَاقًا، وَأَبْلَغُ فِي عَوَاقِبِ الْأُمُورِ نَظْرًا، ثُمَّ أَسْبَغْ عَلَيْهِمُ الْأُزْرَاقَ، فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ، وَغَيٌّ لَهُمْ عَنِ تَنَاوُلِ مَا تَحْتَ أَيْدِيهِمْ، وَحُجَّةٌ عَلَيْهِمْ إِنْ خَالَفُوا أَمْرَكَ، أَوْ تَلَمَّؤُوا أَمَانَتَكَ، ثُمَّ تَفَقَّدْ أَعْمَالَهُمْ، وَابْعَثِ الْعُيُونََ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لِأُمُورِهِمْ حَدُودَةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ، وَالرِّفْقُ بِالرَّعِيَّةِ. وَتَحَقُّظٌ مِنَ الْأَعْوَانِ، فَإِنْ أَحَدٌ مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ، إِلَى خِيَانَةٍ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَحْبَابٌ عُيُونَِكَ أَكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا، فَسَطَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ، وَأَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ، ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمَدْلَةِ، وَوَسَّمْتَهُ بِالْحَيَانَةِ، وَقَلَّدْتَهُ عَارَ النَّهْمَةِ. وَتَفَقَّدْ أَمْرَ الْخُرَاجِ بِمَا يُصْلِحُ أَهْلَهُ، فَإِنَّ فِي صِلَاحِهِ وَصِلَاحِهِمْ صِلَاحًا لِمَنْ سِوَاهُمْ، وَلَا صِلَاحَ لِمَنْ سِوَاهُمْ إِلَّا بِهِمْ، لِأَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ عِيَالٌ عَلَى الْخُرَاجِ وَأَهْلِهِ. وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخُرَاجِ، لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ، وَمَنْ طَلَبَ الْخُرَاجَ بِغَيْرِ عِمَارَةٍ أُخْرِبَ الْبِلَادَ، وَأَهْلَكَ الْعِبَادَ، وَلَمْ يَسْتَقِمْ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيلًا، فَإِنْ شَكُوا ثِقْلًا أَوْ عِلَّةً، أَوْ انْقِطَاعَ شَرْبٍ، أَوْ بَالَةً، أَوْ إِحَالَةَ أَرْضٍ اغْتَمَرَهَا غَرَقٌ، أَوْ أَجْحَفَ بِهَا عَطَشٌ، حَقَفْتَ عَنْهُمْ بِمَا تَرْجُو أَنْ يَصْلِحَ بِهِ أَمْرُهُمْ، وَلَا يَتُفَلَّنَ عَلَيْكَ شَيْءٌ حَقَفْتَ بِهِ الْمَوْئِنَةَ عَنْهُمْ، فَإِنَّهُ دُخْرٌ يَعُودُونَ بِهِ عَلَيْكَ فِي عِمَارَةِ بِلَادِكَ، وَتَرْبِيْنِ وَلَايَتِكَ مَعَ اسْتِجْلَابِكَ حُسْنِ تَنَائِهِمْ، وَتَبَجُّحِكَ بِاسْتِيفَاضَةِ الْعَدْلِ فِيهِمْ، مُعْتَمِدًا فَضْلَ قُوَّتِهِمْ بِمَا دَخَرْتَ عِنْدَهُمْ مِنْ إِجْمَالِكَ لَهُمْ، وَالثَّقَّةَ مِنْهُمْ بِمَا عَوَّدْتَهُمْ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ، وَرَفِيقَكَ بِهِمْ، فَرُبَّمَا حَدَثَ مِنَ الْأُمُورِ مَا إِذَا عَوَّلْتَ فِيهِ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِ اخْتِمَالُوهُ طَيْبَةً أَنْفُسُهُمْ بِهِ، فَإِنَّ الْعُمَرَانَ مُحْتَمِلٌ مَا حَمَلْتَهُ، وَإِنَّمَا يُؤْتِي خَرَابُ الْأَرْضِ مِنْ إِعْوَازِ أَهْلِهَا، وَإِنَّمَا يُعَوِّزُ أَهْلَهَا لِإِشْرَافِ أَنْفُسِ الْوُلَاةِ عَلَى الْجَمْعِ، وَسُوءِ ظَنِّيهِمْ بِالْبَقَاءِ، وَقِلَّةِ انْتِفَاعِهِمْ بِالْعَبْرِ.

فتحصل که کارکنان سازمان باید در خدمت به ارباب رجوع اهل عدل و انصاف باشند و این که از خود بپرسند آیا این خدمتی که کماً و کیفاً ارائه می دهند اگر به خودشان ارائه می شد راضی بودند یا نه؟ تا خدمت رضایت بخش ارائه دهند و حقوقی از بیت المال که از مالیات مردم تأمین می شود برای آنان حلال باشد و دولت نیز باید در

شرم داران از خاندان های نجیب و شایسته و پیش قدم در اسلام بخواه (به کار بگمار) زیرا آنها دارای اخلاق و خواهی گرامی تر و ناموس درست تر (ننگ بر خود روا نداشته اند) و طمع های کم تر و اندیشه ی در پایان کارها رساتر هستند، پس جیره و خواروبارشان را فراوان ده که این کار آنان را به اصلاح (و نیک کردن خواهی) خودشان توانا می دارد، و بی نیاز می گرداند از خوردن آنچه (مال مسلمان ها) که زیر دست هاشان می باشد، و حجت و دلیل است بر ایشان اگر فرمانت را به کار نبستند یا در امانتت رخنه ای گشودند (اگر آنها را سیر نموده باشی و دستورت را انجام ندهند یا در امانت خیانت نموده رشوه گیرند و تو بخوای به کیفرشان برسانی عذری ندارند. پس در کارهایشان کاوش و رسیدگی کن، و بازرسی های راست کار و وفادار بر آنان بگمار، زیرا خیرگیری و بازرسی در نحانی تو کارهای آنها را سبب وادار نمودن ایشان است بر امانت داری و مدارا نمودن و نرمی با رعیت (هرگاه والی به کارهایشان نرسد آنها از راه عدل و دادگری بیرون رفته و به مردم ستم روا دارند. و خود را از یاران (خیانت کار) دور دار، و اگر یکی از ایشان به خیانت و نادرستی دستش را بیالاید و خبرهای باز رسانت به خیانت او گرد آید به گواهی همان خبرها اکتفا کن (این جمله شاید اشاره به آن باشد که شرط گواهی دادن در امور مملکتی عدد خاص و عدالت «که مجتهدین آنرا در احکام شرط گواهی دادن می دانند» نیست) پس باید او را کیفر بدنی بدهی و او را به کردارش بگیری، و بی مقدار و خواری گردانی، و داغ خیانت بر او بزنی، و ننگ تهمت و بد نامی را (چون طوق) به گردنش بنهی (تا نادرستان را عبرت و پند باشد). وَ تَفَقَّدْ أَمْرَ الْخُرَاجِ بِمَا يُصْلِحُ أَهْلَهُ فَإِنَّ فِي صِلَاحِهِ وَ صِلَاحِهِمْ صِلَاحًا لِمَنْ سِوَاهُمْ وَ لَا صِلَاحَ لِمَنْ سِوَاهُمْ إِلَّا بِهِمْ لِأَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ عِيَالٌ عَلَى الْخُرَاجِ وَ أَهْلِهِ. و در کار خراج به صلاح خراج دهندگان کنج کاوی کن، زیرا در صلاح خراج و صلاح خراج دهندگان دیگران را آسایش و راحتی است، و آسایش و راحتی برای دیگران نیست مگر به واسطه ی خراج دهندگان، چون مردم همه جیره خوار خراج و خراج دهندگانند (پس اگر امر خراج و خراج گزاران درست باشد مردم در آسایش اند و اگر به آن اعتناء نکنی همه گرفتارند). پس بسا پیش آمدی که پس از نیکی به آنها هرگاه آن را به ایشان واگذاری با خوشدلی انجام دهند، زیرا به مملکت آباد آنچه بار کنی می تواند بکشد (و این با نیکوئی حال رعیت و اطمینان ایشان به حکمران انجام یابد) و همواره ویرانی زمین به جهت دست تنگی اهل آن است، و رعیت نیازمند و پریشان می شود به توجه حکمرانان به جمع و گرد آوردن (مال و دارائی) و بدگمانیشان به پای داری (حکومت و ریاست خود) و کم بهره بردنشان از پیش آمدها و پندها و اندیشه ی در احوال روزگار.

انقطاع بالة: أي ما يبيل الأرض من ندى و مطر. (صبحی الصالح، شرح نهج البلاغة)

استخدام این کارمندان دقت کند تا از شایستگی فردی و اجتماعی عالی برخوردار باشند تا منصفانه خدمت کنند و در اخذ مالیات هم آسان‌گیری و اعتمادسازی و خودارضایی رعیت را لحاظ کنند و دولت هم باید کارکنان را به خوبی تأمین کند تا تشویق به انصاف در خدمت شوند و نگاه به دست مخدومین نداشته باشند و همه‌ی این‌ها در تحقق خدمت منصفانه به شدت دخیل‌اند.<sup>۵</sup>

---

<sup>۵</sup> درس ۱۲۶ فقه الروابط از سلسله‌ی فقه الاداره، ۲۵ شهر شوال ۱۴۴۷.